



نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۱۱

۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۳

اعتصابات کارگری در کارخانه‌ها و کارگاه‌های داخل کشور همچنان ادامه دارد. کارگران رزمنده ایرانی که زیر فشار تورم و گرانی روزافزون بیشتر به تنگ آمده‌اند، در پرتو انقلاب مسلحانه و رهنمودهای سیاسی نیروهای پیشتان روزبه‌روز به حقوق خود آشناتر شده، برای استیفای آن با تشکل و همبستگی بیشتر دست به اعتصاب می‌زنند. در شماره‌های گذشته این نشریه و نشریه «مجاهد» به چند مورد از این اعتصابات اشاره کردیم. اکنون خلاصه‌ای از چند مورد دیگر را به نظر شما می‌رسانیم. شرح کامل این اعتصابات، همراه با گزارش‌هایی از وضع کارخانه‌ها و شرکت‌های نامبرده زیر، در سری گزارش‌های کارگری سازمان مجاهدین خلق در شماره آینده «مجاهد» درج خواهد شد.

تبریز - اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و شهادت راننده مجید صالح جهانی

از مدتی قبل، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز برای افزایش حقوق خود و جلوگیری از حیف و میل اموال شرکت بوسیله هیئت مدیره آن، دست به اقدامات متعددی زده بودند که طبق معمول به نتیجه‌ای نمی‌رسید. (کمک‌رانندگان و بلیطفروش‌ها بین ۸۰ تا ۱۱۰ ریال، رانندگان اتوبوس‌های موتور عقب ۱۶۰ ریال و رانندگان اتوبوس‌های موتور جلو ۱۷۰ ریال در روز مزد می‌گیرند). تا اینکه بدنبال تشکیل جلسات مختلفی کارگران تصمیم می‌گیرند که اگر تا روز پنج‌شنبه ۱۶ خرداد به خواسته‌های آنها پاسخ مثبت داده نشود، دست به اعتصاب بزنند. یکی از کارگران شرکت که در این زمینه فعالیت داشت، می‌گفت:

«با توجه به اینکه در اعتصاب عادی، پلیس سرگردانی مردم را بهانه قرار داده و اعتصاب را با خشونت تمام سرکوب می‌کند، ما تصمیم داشتیم به نوعی خاصی از اعتصاب دست بزنیم. بدین‌ترتیب که شب‌ها به خانه و منزل نرویم و در خانه کارگر متحصن شویم تا اینکه خانواده‌ایمان، و بدنبال آنها خودمان، به استانداری بریزیم و از استاندار بخواهیم که به خواسته‌هایمان رسیدگی کند و تا اخذ نتیجه آنجا را ترک نکنیم.»

رژیم می‌کوشید بهر نحو ممکن از وقوع هرگونه اعتصابی جلوگیری کند. لذا رئیس شهربانی به آنها قول می‌دهد که تا چهار روز به خواسته آنها رسیدگی کند. ولی تا آخر تیرماه نامبرده هنوز به وعده خود عمل نکرده بود.

در شب پنج‌شنبه ۱۶ خرداد ۵۳ (که قرار بود اعتصاب از آنروز شروع شود) در جلسه کارکنان شرکت در خانه کارگر یکی از رانندگان شرکت بنام مجید صالح جهانی، سخنرانی تند و افشاگرانه‌ای ایراد می‌کند و ضمن ارائه دلایل مستند، آماری برای لزوم افزایش حقوق کارگران، رژیم را نیز مورد حمله قرار می‌دهد. ولی بلافاصله بعد از سخنرانی حال نامبرده بهم می‌خورد و به بیمارستان منتقل می‌شود. بین کارکنان شایع می‌شود که مأموران ساواک آب یا نوشابه‌ای را که مجید بعد از سخنرانی نوشیده بود، به سم آغشته کرده بودند. در بیمارستان به کارگران شرکت که در برابر اتاق وی اجتماع کرده بودند، اجازه دیدن وی را نمی‌دادند، بالاخره در مقابل مقاومت و پافشاری آنها، پلیس موافقت می‌کند که تنها یکی از کارگران به نمایندگی از طرف همه آنها، همراه با یک افسر پلیس به اتاق مجید وارد شود. او بعد از خروج از اتاق، اظهار داشته بود که «جگر مجید سوراخ شده است.»

صالح‌جهانی از جمله کارگران مبارزی بود که می‌کوشید رفقاییش را به حقوق خود واقف سازد. در سایه تلاش آنان اینک کارگران شرکت واحد تبریز در راه استیفای حقوق صنفی خود گام‌های اولیه را برمی‌دارند.

مجید صالح‌جهانی در مسیر خط ۲ «دانشگاه - کوی» کار می‌کرد و روابط بسیار دوستانه‌ای با دانشجویان داشت و همیشه در جریان مبارزات دانشجویان از آنها حمایت می‌کرد. به همین جهت، علی‌رغم آنکه رژیم کوشید مرگ مجید را بصورت عادی جلوه دهد، مرگ او دانشجویان دانشگاه تبریز را بشدت تحت‌تأثیر قرار داده بود و لذا آنان در مجالس ترحیم مجید شرکت فعال

داشته و این مجالس را به صحنه‌ای از همبستگی دانشجو - کارگر تبدیل کردند که دنباله آن به تظاهرات خیابانی متعددی همراه با مواجهه با پلیس کشید. متقابلاً در بین کارگران شرکت و توده مردم، احساس احترام عمیقی نسبت به دانشجویان و خواسته‌ها و تظاهرات آنان پیدا شد که پس از آن، نموده‌های فراوان داشته است. (گزارش تفصیلی تظاهرات دانشجویان - کارگران را در رابطه با این مسئله، در شماره آینده «مجاهد» ببینید.)

نیشابور - اعتصاب کارگران معدن فیروزه

در اردیبهشت ماه گذشته، ۳۰۰ نفر از کارگران معدن فیروزه نیشابور، برای افزایش حقوق و سهم‌شدن در سود ویژه، دست به اعتصاب می‌زنند. اعتصاب به این صورت بود که کارگران به غار معدن رفته و هرکدام در گوشه‌ای دراز می‌کشند و ولی پس از اینکه از طرف شورای کارگاه دستور می‌رسد که در غار را ببندند، کارگران تاکتیک خود را عوض کرده و با تظاهر به انصراف از اعتصاب، داخل غار شده و به اعتصاب «کم‌کاری» دست می‌زنند. جریان به مداخله رئیس اداره کار و ژاندارمری محل، منجر می‌شود. ولی هیچ‌کدام نمی‌توانند با تهدید و تطمیع اعتصاب را خاتمه دهند. سرانجام، شرکت تصمیم می‌گیرد در غار را ببندد و این تصمیم را از روز شنبه ۵۳/۳/۱۶ اجرا می‌کند. ولی بنا به مقررات، پرداخت حقوق کارگران ادامه می‌یابد.

قابل توجه اینکه، این معدن دولتی و در اجاره شخصی بنام اسکونیان است. گفته می‌شود نامبرده توانسته با سهم‌کردن باجناق خود دکتر یگانه، و از طریق او شاهپور محمودرضا، در معدن، آنرا که در سال ۱۳۳۱ برای مدت بیست سال به مبلغ ناچیزی اجاره کرده بود، همچنان با پرداخت مبلغ قبلی بعنوان اجرت‌المثل در اختیار خود داشته باشد. در صورتی کارشناسان مبلغ اجاره فعلی را نزدیک به دمبرابر آن می‌دانند.

تهران - کارگران کارخانه چوب گازر، واقع در جاده کرج، در اردیبهشت ماه گذشته بر ضد اضافه‌کاری دست به اعتصاب می‌زنند. این کارگران جدیداً تشکیل سندیکا داده بودند و این اعتصاب اولین اقدام سندیکای آنان بوده است. اعتصاب، با اینکه کارفرما کارگران را به اخراج تهدید کرده بود، مدت‌ها ادامه داشت (شرحی از چگونگی تشکیل سندیکای این کارگران نیز در شماره آینده «مجاهد» خواهد آمد.)

تهران - کارگران کارخانه کفش بلا، بعنوان اعتراض به تأخیر کارفرما در طبقه‌بندی مشاغل، از ساعت ۹ صبح روز ۳۱ مرداد ۵۳ دست به اعتصاب زدند. اعتصاب بدنبال جروب‌های طولانی بین کارگران و نماینده آنان و کارفرما، ساعت سه بعدازظهر همان روز پایان یافت. به کارگران قول داده شد که تا ۸ روز بعد خواست آنان اجرا شود.

ورامین - کارگران يك کارخانه در این شهر، در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه گذشته دست به اعتصاب می‌زنند. بدنبال این اعتصاب، هفت نفر از کارگران را به ساواک معرفی کرده‌اند. جزئیات دیگری از این اعتصاب در دست نیست.

کرمان - کارگران معدن ذغال‌سنگ ریگ آباد کرمان برای افزایش دستمزد، در اردیبهشت ماه گذشته اعتصاب کردند. شروع اعتصاب به این صورت بود که کارگران از سوارشدن به ماشین‌های معدن خودداری می‌کنند و افرادی را که می‌خواستند سرکار بروند و نیز راننده‌ای را که با کارفرما همکاری می‌کردند، تهدید به کتک کردند. بدنبال این اعتصاب از طرف کارفرما موافقت می‌شود که ۲۰ ریال به مزد روزانه آنان اضافه شود و ۲۰ ریال دیگر نیز بهنگام مسافرت فرح که قرار بود در آتیه نزدیکی صورت گیرد، افزوده شود. (تا مسافرت فرح يك خاصیت وجودی داشته باشد!)

تهران - کارگران کارخانه الیافت واقع در جاده کرج، در اوایل هفته اول مردادماه گذشته برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب می‌زنند. این اعتصاب به مدت سه روز به طول می‌انجامد که در طول آن، کارگران کارخانه را در اختیار خود داشته‌اند. اعتصاب با موفقیت کارگران در تأمین خواسته‌هایشان پایان می‌پذیرد.

تهران - در یکی از روزهای هفته اول آبانماه سلاخان گوسفندی کشتارگاه تهران برای عوض کردن نماینده خود دست از کار می‌کشند. نماینده آنها يك نفر ساواکی بود و آنها ادعا می‌کردند وی به هیچ‌يك از خواسته‌های آنان رسیدگی نکرده و آن را با مقامات بالاتر در میان نمی‌گذارد. اعتصاب متشکل و یکپارچه آنها انتظامات کشتارگاه را به وحشت می‌اندازد که نتیجه تقاضای نیروی امدادی می‌کند. در این هنگام سه ماشین گارد وارد صحن کشتارگاه شده و بدستور فرمانده خود پیاده می‌شوند. فرمانده که بی‌توجهی سلاخان را مشاهده می‌کند، به افراد خویش آرایش لازم را داده و دستور حمله می‌دهد. سلاخان بلافاصله با شعارهای جاوید شاه مانع از ادامه عملیات گارد می‌شوند این کار سه مرتبه تکرار می‌شود و این تاکتیک از برخورد بین سلاخان و گارد جلوگیری می‌کند. در این موقع مدیر عامل کشتارگاه به میان آنها آمد و از خواسته آنها پرسید. او چون سلاخان را قاطع دید، بلافاصله با مقامات بالاتر تماس گرفته و قول عوض کردن نماینده را از آنها گرفت. طبق اطلاع بعدی، نماینده فوق‌الذکر عوض شده است.

تهران - گروهی از کارگران کفش ملی برای سود سهام خود در سال جاری بار دیگر اعتصاب و به وزارت کار شکایت کردند. کارخانه مزبور معادل دو ماه حقوق برای آنان سود تعیین کرده بود. در جریان این شکایت، مسئولان وزارت کار به کارگران اعتصابی (حدود ۳۰۰ نفر) گفته بودند که این کارخانه به درد شما نمی‌خورد، بروید با آن تصفیه حساب کنید. شما را به کارخانه بهتری معرفی می‌کنیم. بقرار اطلاع، این افراد به کارخانه‌ای که حدود ۲۰۰۰ کارگر احتیاج دارد، معرفی شده‌اند. شایان توجه است که برخلاف ادعای رژیم دایر بر سهیم‌کردن کارگران در سود کارخانجات بر مبنای ۲۰ درصد در سال، هیچ کارخانه و شرکتی تاکنون دیده نشده که این سود را به تمام و کمال به کارگران خود بپردازد. بلکه نوعاً به پرداخت مبلغی معادل یکی دوماه حقوق، اکتفا کرده و با صورت‌سازی، سرو ته قضیه را به می‌آورند. از جمله یکی از کارگران شرکت آمریکائی اسو (که سرمایه آن عمدتاً متعلق به حبیب ثابت است) نقل شده که گفته است «يك آمریکائی به ما گفته هر چند ماه سود می‌خواهید می‌دهیم به شرطی که اسمی از ۲۰ درصد سود نیاورید». به کارگران این کارخانه نیز معادل دو ماه حقوق، بعنوان سود بطور علی‌الحساب پرداخت شده است.

ناصر عامری، یکی از مهره‌های حزبی رژیم که در يك ساله اخیر حزب مردم را رهبری می‌کرده چند هفته قبل، به امر ملوکانه از مقام خود استعفا می‌دهد. بنا به گزارش روزنامه‌های رژیم، نامبرده درست يك ماه پس از استعفا در اثر يك «ساخته هوایی» به قتل رسیده است. در این رابطه به خبر ذیل توجه کنید:

تهران - در جریان کنگره اخیر حزب مردم، از شرکت‌کنندگان می‌خواهند چنانچه اعتراضی و یا انتقادی دارند، مطرح سازند. جوانی حدود ۲۵ ساله از فیروزآباد فارس پشت میکروفن رفته و شروع به انتقاد می‌کند و از وضع مردم ناحیه‌اش می‌گوید و توضیح می‌دهد که عشایر از گرسنگی در آنجا می‌میرند و از این قبیل حرف‌ها. در این هنگام هلاکو رامبد (لیدر اقلیت در مجلس) مشت‌های خود را روی میز کوبیده و وی را به سکوت دعوت می‌کند و می‌گوید: «از کارهای حزبی صحبت کنید و به کارهای مملکتی کار نداشته باشید». و سپس می‌گوید: «شما یادتان هست که در گذشته مردم چه وضعی داشتند و اکنون چقدر اوضاع بهتر شده؟» و بالاخره به این ترتیب وی را از صحبت کردن بازمی‌دارند.

قبلاً (نشریه خبری شماره ۸) خبر دادیم که شخصی بنام خلیلی در اثر شلیک مسلسل مزدوران رژیم، به شهادت رسیده است. اکنون گزارش دقیق‌تری از جریان امر به دست ما رسیده که نشان می‌دهد نامبرده در این جریان احتمالاً فقط مجروح شده است.

تهران - چندی پیش جنایت دیگری توسط مأمورین مزدور ساواک صورت گرفت. جریان از این قرار بود که رضا خلیلی به اتفاق مادر و خواهر خود برای ملاقات برادرش که زندانی بوده، به زندان قصر می‌رود. وی پس از بازگشت به خانه، متوجه می‌شود که لباس‌های برادرش را به او تحویل نداده‌اند. لذا رضا به زندان برمی‌گردد تا لباس‌های برادرش را تحویل بگیرد و مادر و خواهر به خانه می‌روند. آنها بمحض بازکردن در خانه، چهار نفر مسلح را می‌بینند که در خانه نشسته و مشغول صحبت‌کردن می‌باشند. مادر که بعلت سیاسی بودن پسرانش، با این نوع یورش و عملیات سازمان امنیت آشنائی داشته، متوجه می‌شود که آنها مزدوران امنیتی هستند و برای سؤال و جواب از رضا آمده‌اند. مأمورین از مادر سراغ رضا را می‌گیرند و طبق معمول می‌گویند که با او کاری نداریم و فقط چند سؤال کوچک است که از او می‌خواهیم بکنیم. در این بین رضا به خانه برمی‌گردد و مشغول بازکردن در خانه می‌شود. بعلت سفت بودن در منزل، سروصدای زیادی راه می‌افتد. بمجرد باز شدن در، مأمورین مزدور ساواک لوله مسلسل را به طرف رضا گرفته و شلیک می‌کنند. خون از بدن رضا بیرون می‌زند و مأمورین دست و پای رضا را گرفته و به داخل ماشین می‌اندازند و با خود می‌برند.

مادر پرس‌وجوکنان به سراغ آشنایان می‌رود تا از زنده‌بودن یا کشته‌شدن پسرش باخبر شود. پس از مدتی تلاش به او خبر می‌دهند که رضا مجروح و در بیمارستان شهربانی بستری می‌باشد. مادر و خواهر رضا اجازه ملاقات می‌گیرند و برای دیدن او به بیمارستان شهربانی می‌روند. آنان به اطافی که از طرف مزدوران محافظت می‌شده راهنمایی، و با شخصی که با ملاقه روی صورتش را پوشانده بودند روبرو می‌شوند. به آنها اجازه نمی‌دهند که ملاقه را برای دیدن پسرشان پس بزنند. يك هفته بعد از جریان مأمورین به سراغ مادر رضا رفته و خیلی محترمانه عذرخواهی کرده و اظهار می‌دارند که سروصدای قفل در منزل ما را به اشتباه انداخت و تصور کردیم که رضا مسلسل خود را آماده می‌کند. به همین دلیل او را به مسلسل بستیم. قابل توجه است که رضا خلیلی يك عنصر معمولی بود و سلاحی هم نداشت. مأمورین سپس ادامه می‌دهند که این فقط يك اشتباه بوده است.

اینک به چند خبر در زمینه مسائل آموزشی، فرهنگی، هنری و فشار رژیم بر عناصر روشنفکر و تحصیل‌کرده و موسسات آموزشی و فرهنگی توجه کنید.

تهران - رژیم، سیاست دریافت تعهد از دانشجو را اخیراً به دبیرستان‌ها نیز تعمیم داده و به این ترتیب بار دیگر ماهیت «آموزش رایگان» خویش را برملا می‌سازد.

بنا به گزارش‌های رسیده، اخیراً اولیای دانش‌آموزان را به دفتر دبیرستان‌ها احضار کرده و از آنها تعهد می‌خواهند که فرزندانشان بعد از اتمام دوره تحصیل باید برای دولت، در هر کجا که تعیین کند، به کار بپردازند و والدین حق هیچ‌گونه دخالتی را در این مورد ندارند. والدین اگر این تعهد را نپذیرند مجبور به پرداخت ارقام سرسام‌آوری تحت عنوان «هزینه تحصیل» خواهند بود. این امر نگرانی و بی‌اعتمادی زیادی بین مردم ایجاد کرده است.

تهران - دستگیری روزافزون انقلابیون و روشنفکران توسط رژیم، تأثیر زیادی بر زندگی مردم گذاشته و باعث افزایش نارضایتی بیشتر آنان از رژیم شده است. بطور نمونه، بدنبال دستگیری چند نفر از معلمین دبستان انوشیروان دادگر در خیابان شهیاز جنوبی، اکثر کلاس‌های این مدرسه بدون معلم مانده و مسئولین آموزش و پرورش را که با کمبود کادر آموزشی مواجه هستند، دچار اشکالات زیادی نموده است. این مسائل باعث برخوردهای زیادی بین اولیای دانش‌آموزان با مسئولین آموزشی شده است.

تهران - طبق بخشنامه جدید وزارت آموزش و پرورش، مدارس که از وجوهای مذهبی (خمس، سهم امام و...) برای بودجه‌شان استفاده می‌کنند، مسئولین آنها باید آن وجوهای را تحویل مقامات وزارتخانه بدهند. وزارت آموزش و پرورش نه حاضر است این گونه مدارس را بخرد و نه اجازه کند. مدارس که مشمول این بخشنامه می‌شوند، ظاهراً مدراس جامعه تعلیمات اسلامی و مدارس مستقل اسلامی مانند علوی، رفا، نرگس، قدس و... می‌باشند.

تهران - در اوایل آذرماه گذشته آقای رجائی دبیر دبیرستان‌های تهران و سرپرست موسسات فرهنگی رفاه دستگیر می‌شود. نامبرده یکی از اعضای نهضت آزادی بود که در سال ۴۲ بدست رژیم جنایتکار دستگیر شد. گفته می‌شود که دستگیری وی، بخاطر کتابی بوده که در رابطه با او بعد از چند دست گشتن، بدست يك مأمور ساواک می‌افتد و ساواک با دنبال کردن آن واسطه‌ها، به آقای رجائی می‌رسد. اخبار رسیده حاکیست که وی را شدیداً شکنجه کرده‌اند بطوری که بعلت زیادی جراحات وارده، نتوانسته‌اند به زنش ملاقات بدهند.

هممیهان عزیز باید توجه داشته باشند که در شرایط حاکمیت و خفقان پلیسی، برای نگهداری و ردوبدل کردن کتاب و جزوات، رعایت کامل مسایل امنیتی را بکنند. و حتی‌الامکان بطور مستقیم جزوه یا کتابی بدست کسی ندهند.

تهران - در هفته اول دیماه گذشته، سقف یکی از مدارس در منطقه جوادیه فرو ریخته و عده‌ای از دانش‌آموزان يك کلاس کشته و زخمی شده‌اند.

همدان - در نیمه دوم آذرماه ۵۳ مرکز تلویزیون همدان منفجر شده است. بدنبال این واقعه، پلیس حدود ۴۰ نفر را که گویا سپاهی دانش و دانش‌آموز بوده‌اند، دستگیر کرده است.

اصفهان - اواخر خرداد ماه گذشته، ساواک با یورش وحشیانه خود، ۱۲ نفر از دانشجویان بلوچ دانشگاه اصفهان را دستگیر و به زندان فرستاده است.

تهران - سرهنگ مروجی، رئیس ساواک منطقه ۸ (خیابان ابوسعید مقابل کلانتری ۱۲) مسئولیت مدیرانی را که آموزش و پرورش به مدارس اسلامی این ناحیه فرستاده است نیز به عهده دارد و این مدیران در تماس نزدیک و دائمی با او هستند. از جمله در آبانماه ۱۳۵۲، بدنبال گزارش مدیر دبستان دخترانه نرگس از اوضاع ناآرام این دبستان، سرهنگ مروجی شخصاً به مدرسه آمده و تحقیقات و تهدیداتی کرده بود.

تاکنون همچنین چند نفر از عناصر روشنفکر بازار را برای تحقیقات به این مرکز خواسته‌اند و بعد از پرسش‌هایی، آنان را آزاد کرده‌اند. از جمله اینها، دو نفر از اعضای فعال «صندوق جاوید» می‌باشند.

تهران - در مرداد ماه سال جاری، ساواک یکی از دبیران هنرستان کارآموز بنام سیفی را دستگیر کرده است. بهنگام دستگیری در دست یکی از مأمورین کیف بی‌دست‌های بوده که يك مسلسل در دخل آن دیده می‌شده است.

تهران- وزارت فرهنگ و هنر، طی یک نامه رسمی به سهرسب شهید ثالث، فیلمساز جوان و متعهد ایرانی، او را به دلیل اعتقادات مذهبی، ساختن فیلم " مصیبت" با تم مذهبی و توده‌ای و انتقاد از سینمای تجارتي کشور، مورد تهدید و توبیخ قرار داده است.

شهید ثالث، ابتدا از طریق فیلم های مستند کوتاه و اخیراً فیلم های بلند، معروفیت بین المللی پیدا کرده و اثارش در فستیوال های مختلف در جهان نمایش داده شده اند. از جمله آخرین فیلم بلند او " طبیعت بی جان"، تنها فیلم ایرانی بود که در فستیوال سال جاری فیلم لندن نمایش داده شد و در فستیوال تهران جایزه گرفت. نامبرده هم اکنون مشغول ساختن فیلمی تحت عنوان " در غربت" در آلمان غربی می باشد. موضوع این فیلم، وضع کارگران مهاجر در آلمان غربی می باشد و پرویز صیاد به صورت یک کارگر مهاجر در نقش اول این فیلم ظاهر می شود.

عین نامه وزارت فرهنگ و هنر به سهراب شهید ثالث در صفحه بعد آمده است.

نامه وزارت فرهنگ و هنر

از: وزارت فرهنگ و هنر

به: آقای سهراب شهید ثالث

موضوع: توقیف فیلم

بدین وسیله - به اطلاع آقای سهراب شهید ثالث می رسانیم که بنا به گزارش رسیده به اداره بررسی ساخته جدید شما تحت عنوان مصیبت دارای مسائل اجتماعی و بخصوص مذهبی حاد می باشد و بنا به اظهارنامه شخص شما در کمیسیون بررسی و فستیوال برلین گفته بودید که این فیلم دقیقاً دارای تم مذهبی می باشد و بنا به نامه شماره ۵۰۳/۰۷/۱۸۰ صادره از دربار سلطنتی به امر ملوکانه از نشر و توسعه فیلم های مذهبی شدیداً جلوگیری به عمل آید و بدین علت که شما تنها سازنده این قبیل فیلمها می باشید و کارگردانی هستید که شدیداً به مذهب علاقمند و در نشر آن فعالیت دامنه داری می نمائید. همچنین شما به شدیدترین وجهی به سیستم سینمای تجاری و سندیکای هنرمندان ایران و مؤسسين این سیستم جناب آقایان مهدی میثاقیه و محمدتقی شکرانی اعتراض نموده و آنها را انسان هائی فاقد ارزش و بی شرم و خیانتکار معرفی نموده اید.

و در ضمن شما بخاطر مذهب با حقوق ماهیانه چهل هزار ریال (۴۰۰۰۰ ریال) از فرهنگ و هنر استعفا داده اید در صورتی که شخص شما تعهدنامه ای که این وزارتخانه در دست دارد امضاء و تمایل خویش را به سمت سینمای تجاری ابراز نمائید از هرگونه کمک فراوان مادی و معنوی برخوردار خواهید بود در غیر این صورت محکوم و از کارهای آینده تان جلوگیری و اجازه اقامت همسران در ایران لغو از نظر مادی به شدیدترین وضع ممکنه بسر خواهید برد و فیلم اخیرتان با نظر شخص وزیر جناب آقای مهرداد پهلبد توقیف خواهد گشت.

سرپرست و قائم مقام وزارت فرهنگ و هنر

دکتر خردمند